

## صورت‌های سوخته، امیدهای تازه

تهران (پانا) - قربانیان اسیدپاشی بیشتر زن هستند و روند درمانشان عموماً آنقدر طولانی است که خیلی‌هایشان عطای خوب شدن را به لقایش می‌بخشند و عادت می‌کنند به زندگی‌ای که دیگر دوستش ندارند. آن‌ها بعد از حادثه تنها امیدشان به مجازات عاملانی است که رویشان اسید پاشیده‌اند؛ مجازاتی که هرچند در قانون مجازات اسلامی به آن پرداخته شده اما جز یک مورد- آمنة بهرامی از قربانیان اسیدپاشی که توانست حکم قصاص را بگیرد اما در نهایت از اجرای آن گذشت- اجرا نشده است.

به گزارش خبرآنلاین، درهای مجلس بالاخره باز شد و خبر خوب به گوش محسن رسید؛ به گوش زWNJ&های سوخته و صورت آب شده و روح ناآرامش. بعد از ۷ سال این در و آن در زدن، حالا امیدی به دلش دویده؛ ۷ سال بعد از آنکه آبدارچی اداره ZWNJ&ای که محسن روزی در آن برو و بیایی داشت، به او ۱۹ ضربه چاقو زد و ۴ لیتر اسید را بر سر و صورت ۳۳ ساله ZWNJ&اش ریخت. سو از یک چشمش رفت، یک گوشش ناشنوا شد، صورتش سوخت و اسید او را به ۶ ماه کما برد. حالا امیدوار شده؛ می ZWNJ&گوید نمایندگان مجلس بالاخره واقعیت ZWNJ&ها را دیدند و به داد دل قربانیان اسیدپاشی رسیدند؛ تصویب یک فوریت طرح تشدید مجازات اسیدپاشی ضروری بود. سال هاست که ما به دنبال تصویب این طرح هستیم. کسانی که قصد اسیدپاشی دارند دیگر با این طرح دست و پایشان بسته می‌شود. دیگر برایشان راحت نیست که ۴ لیتر اسید بخرند و با اسیدپاشی زندگی خیلی ZWNJ&ها را از بین ببرند. دیگر باید بدانند که مجازات می ZWNJ&شوند و خبری هم از یکی دو سال زندان رفتن و بعد بخشیده شدن نیست. raquo&

معصومه هم که اسید هر دوچشمش را از او گرفت و صورتش را برای همیشه داغ کرد، پدرشوهش را بخشید اما در دلش؟ هرگز؛ دیگر کاری به کار پدرشوهرم ندارم اما تا جای ما نباشید نمی ZWNJ&دانید که ما چه می ZWNJ&کشیم. من پدرشوهرم را بخشیدم تا پسرم را داشته باشم، اگر قانون همراه من بود او را مجازات کرده بودم، اما نشد. دیگر نه چشم‌هایم به من برمی ZWNJ&گردد نه زندگی ZWNJ&ای که قبلاً داشتم اما امیدوارم که با این طرح زنان دیگری به حال و روز من دچار نشوند. من زندگی سوخته، حداقل زندگی آن ZWNJ&ها نسوزد. raquo&

### امید برای مجازات

اصفهان، تهران، تبریز، مشهد؛ آمنة، معصومه، زیور، محسن؛ اینجا و آنجا ندارد. حالا سال ZWNJ&ها است که اسیدپاشی به یکی از سرتیترهای حوادث کشور تبدیل شده است و قربانیانش هم رو به افزایش؛ همین چند سال پیش بود که ماجرای اسیدپاشی به زنان اصفهانی چنان رعب و وحشتی در دل زنان این شهر و البته شهرهای دیگر به راه انداخت که تا مدت ZWNJ&ها ترسش در دل خیلی ZWNJ&ها ماندگار شد. زنان اصفهانی ZWNJ&ای که یک روز پاییزی پایشان را از خانه بیرون گذاشتند و دیگر هیچ وقت با صورت ZWNJ&های سالم قبلی خودشان به خانه برنگشتند و البته مسیبانش هم نه هنوز پیدا شده ZWNJ&اند و نه مجازات. به این ZWNJ&ها اضافه کنید زنان و مردان دیگری را که یا قربانی اختلافات خانوادگی ZWNJ&اند یا دعوا با دیگران، صورت و یا دیگر اعضای بدنشان را ناقص می ZWNJ&کند و ادامه زندگی را برایشان دشوار. قربانیانی که بیشترشان زن هستند و روند درمانشان عموماً آنقدر طولانی است که خیلی ZWNJ&هایشان عطای خوب شدن را به لقایش می ZWNJ&بخشند و عادت می ZWNJ&کنند به زندگی ZWNJ&ای که دیگر دوستش ندارند. آن ZWNJ&ها بعد از حادثه تنها امیدشان به مجازات عاملانی است که رویشان اسید پاشیده ZWNJ&اند؛ مجازاتی که هرچند در قانون مجازات اسلامی به آن پرداخته شده اما جز یک مورد- آمنة بهرامی از قربانیان اسیدپاشی که توانست حکم قصاص را بگیرد اما در نهایت از اجرای آن گذشت- اجرا نشده است.

حالا چند روزی است امیدها زنده شده؛ یک فوریت طرح تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه ZWNJ&دیدگان در مجلس تصویب شده و اگر این طرح به قانون تبدیل شود، می ZWNJ&توانند امیدوار باشند که عاملان اسیدپاشی بر خودشان



گذشت ۷ سال چشم دیگرش به خاطر این اتفاق روزبه روز در حال ضعیف شدن است اما مطابق معمول اسیدپاشی و زدن به من قصد فرار از مرز را داشت که دستگیر شد و هنوز در زندان است. در حکم قاضی آمده که متهم باید مبلغ ۵ دیه کامل یک انسان را به من پرداخت کند ولی هنوز نداده و توانایی مالی هم برای پرداخت آن ندارد. قصاص چشم راست و لاله گوش راست هم برای او در نظر گرفته و باید تا الان اجرا می‌شد. به دلایل مختلفی مثل اینکه دکتري که این کار را انجام بدهد نیست و یا بیمارستانی که این کار در آن صورت بگیرد، مهیا نشده است، این موضوع متأسفانه به تاخیر افتاده است.

محسن تبدیل شدن این طرح به قانون را راهی موثر برای جلوگیری از اسیدپاشی می‌داند؛ وقتی مثل از زمان صدور یک حکم ۱۰ سال بگذرد، قربانیان هم سرد می‌شوند و قدرت بازدارندگی آن از بین می‌رود. مجازات متهم یک عامل بازدارنده است. من کینه و جو نیستم اما همین متهمی که من را مورد اسیدپاشی قرار داد، در جلسه دادگاه گفت که من در روزنامه‌ها خوانده بودم که کسانی که اقدام به اسیدپاشی می‌کنند در آخر بخشیده می‌شوند. او پیش خودش گفته که اگر اقدام به اسیدپاشی کند یا فرار می‌کند و اگر هم گیر بیفتد آخر بخشیده می‌شود.

او از روزهایی که برای حمایت از قربانیان اسیدپاشی دست به کار شده و بالاخره نتیجه‌اش را دیده؛ اما از سال ۱۳۹۵ با یک سری از افراد مثل آقای درمیشیان، آقای نوید محمدزاده، خانم گرامی و زادگان و رییس انجمن جراحان پلاستیک و خانم بنی یعقوب، بالاخره در سال ۹۶ انجمن حمایت از قربانیان اسیدپاشی را راه‌اندازی کردیم و از همان موقع پیشنهاد دو طرح را به نمایندگان مجلس دادیم. یکی طرح منع خرید و فروش اسید و دیگر طرح تشدید مجازات اسیدپاشان. ما برای طرح خرید و فروش اسید این منظور را نداریم که کلا اسید فروختن ممنوع شود اما پیشنهاد کرده‌ایم که کسی که می‌خواهد اسید بخرد، از خود یک بیوگرافی بدهد و اسیدفروش بداند که دارد به چه کسی اسید م‌فروشد. شماره ملی از مشتری بخواهد و یا اگر خریدار از سمت یک شرکت برای خریدن اسید آمده است به فروشنده نامه ارائه دهد. در حال حاضر هرکسی که بخواهد اسید بخرد مثلا به خیابان ناصرخسرو می‌رود و هر مقدار که می‌خواهد اسید می‌خرد و حتی با پیک هم اسید به در خانه‌ها فرستاده می‌شود! طرح تشدید مجازات هم بسیار چکش کاری شده است و حالا بالاخره یک فوریتش به تصویب رسیده است. ما به عنوان نماینده‌ای که با اسید سوختند در چندین جلسه با نمایندگان مجلس دغدغه‌های خودمان را مطرح کردیم و حالا خیلی امیدواریم.

محسن که تا قبل از ماجرای اسیدپاشی کارمند یک اداره بوده حالا به کارهای هنری رو آورده است و می‌گوید تا به حالی در ۵۰ نمایشگاه گروهی شرکت کرده است؛ به غیر از خیرین هیچ دستگاه دولتی و یا نهادی به داد دل قربانیان اسیدپاشی نرسیده است. انجمن، جراحی‌های رایگان و یا با قیمت پایین را در اختیار سوختگان با اسید قرار می‌دهد. هزینه‌هایی که انجمن به قربانیان می‌دهد بیشتر برای هتلینگ بیمارستان است و تا به حال بیمارستانی را پیدا نکرده‌ایم که هزینه این هتلینگ را از ما نگیرد. انجمن وکیل رایگان در اختیار قربانیان می‌گذارد. ما کلاس‌های آموزشی مثل نقاشی و معرق برای قربانیان در نظر گرفته‌ایم. مشاوره‌های روانشناسی داریم و انجمن خانه امنی را برای همه ما فراهم کرده است. ۵۰ نفر در انجمن تحت حمایت انجمن هستند و البته افراد دیگری هم در سطح کشور هستند که ما از آن‌ها درخواست می‌کنیم به انجمن مراجعه کنند.

تا جای ما نباشید، نمی‌دانید...

معصومه عطایی یکی دیگر از زنان قربانی اسیدپاشی است که قربانی دعوای خانودگی شد و هر دو چشمش را از دست داد، پدرش وهرش را در ازای گرفتن حضانت فرزندش بخشید اما دیگر زندگی برایش برای همیشه تاریک شد. او هم می‌گوید هیچ وقت پدرش وهرش را نبخشیده اما تشدید مجازات اسیدپاشی را راهی برای کاهش وقوع این موضوع در کشور می‌داند؛ من در سال ۱۳۸۹ توسط پدرش وهرم مورد اسیدپاشی قرار گرفتم، بینایی‌ام به صورت کامل از بین رفت، دست و صورتم هم سوخت. ۳۷ بار جراحی کردم و بعد به خاطر حضانت فرزندم توافق کنم تا بتوانم فرزندم را کنار خودم نگه دارم. بنابراین او را بخشیدم.

معصومه نداشتن قوانین حمایتی از قربانیان اسیدپاشی را مهمترین موضوع مورد بحث برای این قربانیان می‌داند؛ اما قوانین حمایتی از قربانیان اسیدپاشی نداریم و امیدوارم که اگر طرح تشدید مجازات اسیدپاشان به قانون تبدیل شود، بخش حمایتی از قربانیان هم به خوبی دیده شود. من که دیگر به فکر مجازات پدرشوهرم نیستم چون خیلی در این سال‌ها اذیت شدم و دیگر نمی‌خواهم دچار درگیری شوم.

معصومه هم مثل بسیاری از قربانیان اسیدپاشی از اطلاع دادرسی به متهمان پرونده‌شان گلیه دارد و می‌گوید طولانی شدن به سرانجام رسیدن پرونده‌ها، امید را از قربانیان می‌گیرد؛ قربانیان انتظار دارند که به پرونده آن‌ها به سرعت رسیدگی شود و سال‌ها طول نکشد. بلایی که سر قربانیان اسیدپاشی می‌آید به هیچ عنوان قابل جبران نیست اما قربانی انتظار دارد که عامل اسیدپاشی به مجازات برسد. در قوانین همه کشورهای دنیا بحث حمایتی از قربانیان دیده شده است اما در ایران این موضوع وجود ندارد و متهمان هم عموماً دیه را پرداخت نمی‌کنند. قربانیان اسیدپاشی عملاً از کار افتاده محسوب می‌شوند و بهتر است که برای آن‌ها مستمری و بیمه در نظر گرفته شود. ما هیچ حمایت دولتی در مراحل عمل‌های جراحی دریافت نمی‌کنیم و عموماً خیرین به ما کمک کرده‌اند. من چندین بار هم به وزارت بهداشت مراجعه کردم، نامه هم گرفتم اما مثلاً برای یک عمل ۵ میلیونی، ۱۵۰ هزار تومان تخفیف عمل خورده که عملاً دردی را دوا نمی‌کند. درحالی که ما با این عمل‌ها به دنبال زیبایی نیستیم بلکه می‌خواهیم حداقل صورتمان طوری باشد که بتوانیم در جامعه حضور پیدا کنیم. من به خاطر شرایطی که داشته‌ام ۲ سال است که روند درمانم را متوقف کرده‌ام. امیدوارم قوانین به سمتی برود که بتواند جلوی خرید و فروش اسید را بگیرد. من و امثال من می‌فهمیم که به واسطه فروش آزادانه اسید چه بلایی بر سر من و امثال من آمده است. وقتی حتی اسید را به صورت آنلاین می‌فروشند و هرکسی که در خانه نشسته می‌تواند اسید را کیلویی ۴۰۰ هزار تومان خریداری کند، باید فکر جدی‌تری برای آن کرد.

#### نقش مهم قانون برای جلوگیری از اسیدپاشی

کمال فروتن، رییس هیات مدیره انجمن حمایت از قربانیان اسیدپاشی و فوق تخصص جراحی پلاستیک با بیان اینکه حدوداً سالانه ۵۲ یا ۵۳ نفر قربانی اسیدپاشی در کل کشور داریم که بیشتر آمار ما برای شهرهای تهران و اصفهان است، به خبرآنلاین می‌گوید: قربانیان از شهرهای دیگر هم برای مداوا به تهران می‌آیند. مثلاً در این مدت اخیر از بابل و تبریز هم برای مداوا به تهران آمده‌اند. تعداد قربانی‌های اسیدپاشی سال به سال افزایش پیدا می‌کند اما نمی‌توانیم به صورت دقیق بگوییم میزان اسیدپاشی در شهرهای مختلف کشور چه تعداد است.

او ادامه می‌دهد: آماری که دو سال پیش گرفته شده نشان می‌دهد که ۵۷ درصد از قربانیان اسیدپاشی زن و ۴۳ درصد مرد هستند. سن متوسط این قربانیان هم ۳۵ سال است.

فروتن با بیان اینکه ما مدت‌ها بود که به دنبال مطرح شدن طرح تشدید مجازات اسیدپاشی در مجلس هستیم، ادامه می‌دهد: چون تا وقتی که مجازات اسیدپاشی شدیدتر نشود، روزه بر آمار اسیدپاشی اضافه می‌شود. در حال حاضر اینگونه است که عاملان اسیدپاشی یک سال یا دو سال به زندان می‌روند و بعد که بیرون می‌آیند همان کارها را انجام می‌دهند. در واقع زندان از اسیدپاشی جلوگیری نمی‌کند. ما می‌خواهیم که شدت مجازاتی اعمال شود که این موضوع را محدود کند و گرنه زندان هیچ تاثیری نداشته است. باید یک زمان مشخصی برای دادرسی آن‌ها در نظر گرفته شود تا سریع به قربانیان جواب داده شود. وقتی دادرسی متهمان اسیدپاشی اطلاع پیدا کند، نه مردم از نتیجه متوجه می‌شوند و نه آن حکم جلوگیری‌کننده است. باید یک ماه یا دو ماه بعد از اسیدپاشی که مردم داغ هستند، مجازات صورت بگیرد تا بتوانند جلوگیری‌کننده باشد.

او می‌گوید: فروش اسید موضوع دیگری است که ما مدت‌ها است دنبال محدودکردنش هستیم. اسید نباید در دسترس همه قرار بگیرد. باید دانسته شود که اسید برای چه چیزی فروخته می‌شود و افراد برای چه کاری اسید را می‌خرند و این اسید در دسترس چه کسانی قرار می‌گیرد.

فروتن ادامه می‌دهد: «قربانیان اسیدپاشی هیچ نوع حمایت دولتی دریافت نمی‌کنند و به همین دلیل ما این انجمن را راه‌اندازی کردیم. معمولاً هم دیه از سوی متهمان به قربانیان داده نمی‌شود و حتی بیمارستان‌های دولتی این قربانیان را به سختی قبول می‌کنند. این طرح اگر انجام بشود می‌تواند جلوی اسیدپاشی‌ها را به میزان زیادی بگیرد.»